



Investigating the situation of followers of religions, sects and opponents in the world government of Imam Mahdi (as)

Seyedali Hasani Amoli ^{a*}

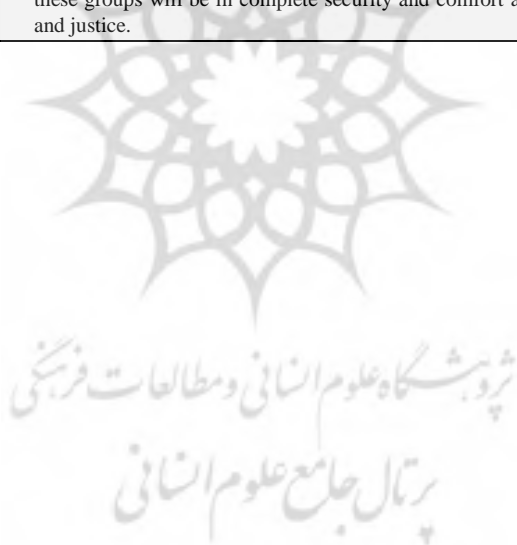
^a Associate Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Department of Religions, Qom, Iran seyedali5@gmail.com

KEYWORDS

status of religions
nondivin religions
christianity
judaism opposition
mahdavi world government

ABSTRACT

How the Mahdavi world government was realized and how Imam Mahdi (pbuh) treats the followers of religions, Islamic sects and opponents, is one of the important areas of Mahdism research. This article intends to deal with the situation of the followers of these groups during the Mahdavi world government through a narrative-analytical method. To achieve this, the article is organized in two parts, The first part deals with the principle of presence or absence of followers of religions, Islamic sects and opponents, And the result indicates that the followers of the divine religions such as Christianity and Judaism will be present in that covenant, But the followers of different Islamic religions and the opposition will not be present. The second part deals with the situation of the existing groups during the Mahdavi world government, And the results show that these groups will be in complete security and comfort and will be dealt with on the basis of truth and justice.



* Corresponding author: seyedali5@gmail.com

DOR: 20.1001.1.29810841.1402.1.1.2.9

Received: 2023/4/9 ; Received in revised form: 2023/5/14; Accepted: 2023/5/27

Article type: scientific research paper

©Author





بررسی وضعیت پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام

سید علی حسینی آملی^{الف*}

^{الف} دانشیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، گروه ادیان، قم، ایران seyedal5@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
وضعیت ادیان ادیان غیر الهی مسیحیت یهودیت مخالفان حکومت جهانی مهدوی	چگونگی تحقق حکومت جهانی مهدوی و چگونگی برخورد امام مهدی علیه‌السلام با پیروان ادیان، مذاهب اسلامی و مخالفان، یکی از عرصه‌های مهم مهدویت پژوهی به حساب می‌آید. این مقاله درصدد است با روش نقلی- تحلیلی به وضعیت پیروان گروه‌های مزبور در عهد حکومت جهانی مهدوی بپردازد. برای تحقق این امر مقاله در دو بخش تنظیم شده است، بخش نخست به اصل حضور یا عدم حضور پیروان ادیان، مذاهب اسلامی و مخالفان پرداخته است و نتیجه حاصله حکایت از آن دارد که پیروان ادیان الهی چون مسیحیت و یهودیت در آن عهد حضور خواهند داشت، اما پیروان مذاهب مختلف اسلامی و مخالفان حضور نخواهند داشت. بخش دوم به وضعیت گروه‌های موجود در عهد حکومت جهانی مهدوی پرداخته و نتایج حاصله حکایت از آن دارد که گروه‌های مزبور در امنیت و آسایش کامل به سر خواهند برد و بر اساس حقیقت و عدالت با آن‌ها برخورد خواهد شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۲/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۶ @	

مقدمه

تحقق حکومت عدل جهانی از دیرباز آرزوی همه انسان‌ها و همه پیامبران و اولیاء الهی بوده است؛ اما چگونگی تحقق این حکومت و تعامل آن با انسان‌ها و گروه‌ها و ادیان مختلف، امکان حضور یا عدم حضور مخالفان و مذاهب و پیروان ادیان دیگر و موضوعاتی از این دست، از مسائل پراهمیت، دغدغه برانگیز و اختلافی بین اندیشمندان و نویسندگان این عرصه بوده و آن‌ها بر اساس مبانی و اصول مورد پذیرش خود به تبیین این‌گونه موضوعات پرداخته‌اند.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، حکومت عدل جهانی توسط آخرین اولیاء الهی و آخرین وصی پیامبر اعظم محمد بن عبدالله صل- الله‌علیه‌وآله، حجت بن الحسن المهدی علیه‌السلام برپا خواهد شد.

نویسندگان و محققان اسلامی در پاسخ به مسائل فوق و امثال آن اختلاف نظر دارند. آن‌ها بر اساس اصول و مبانی مورد پذیرش و گاه بر اساس آمال و آرزوهای خود و با توجه به بعضی اسناد موجود، درصدد پاسخگویی به مسائل فوق برآمدند.

تبیین درست این گونه موضوعات از جهات مختلف دارای ضرورت است از جمله، تصویر برآمده از جهل و کوتاهی را از چهره درخشان حکومت مهدوی خواهد زدود و از ایجاد رعب و وحشت و نفرت پراکنی بی‌مورد در میان انسان‌ها و پیروان ادیان و مذاهب مختلف جلوگیری خواهد کرد و از سویی دیگر زمینه را برای پذیرش آن حضرت و حکومت جهانی او فراهم خواهد کرد.

پیشینه این تحقیق در نوشته‌های اسلامی سابقه طولانی دارد و ریشه در آیات و روایاتی دارد که درصدد توصیف عصر حکومت جهانی مهدوی از جهات مختلف برآمده‌اند. مفسران و شارحان نیز به فراخور مجال به‌صورت گذرا به این‌گونه امور پرداخته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر به علت پیگیری بیشتر مسائل آخرالزمان و گسترش معارف مهدوی توجه به مسئله موردنظر برانگیخته شده است و در زمینه اصل وجود پیروان ادیان مختلف در عصر حکومت جهانی مهدوی فعالیت‌هایی صورت گرفته است.

از میان دانشمندان معاصری که این مسئله را طرح کرده و پیرامون آن توضیحاتی داده‌اند می‌توان علامه رفیعی قزوینی در کتاب الامام المهدی من المهدی الی الظهور، آیت‌الله ابراهیم امینی در کتاب دادگستر جهان، آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام و آیت‌الله سید محمد صدر در موسوعه الامام المهدی جلد سوم (تاریخ ما بعد الظهور) را نام برد. کتاب اخیری از امتیازات و دقت بیشتری در بحث برخوردار است.

علاوه بر این کتابی با عنوان «تاملی بر وضعیت ادیان در عصر ظهور» اثر «مرتضی عبدی چاری» منتشر شده است که مسئله را با رویکرد نقلی دنبال کرده است؛ مقاله‌هایی نیز با عنوان «اهل کتاب در دولت اسلامی» و «تاملی بر نظریه وجود اهل کتاب در دوران حکومت جهانی امام زمان» در مجله انتظار موعود شماره ۱۵ و ۴۹ منتشر شده است. هر دو این تحقیق به مسئله حضور و عدم حضور پیروان ادیان الهی در عصر حکومت جهانی مهدوی پرداختند. همچنین در بعضی از کتاب‌هایی که در زمینه مهدویت نگاشته شده است مثل کتاب موعود نامه یا درس‌نامه مهدویت جلد چهارم درس سوم به‌صورت مجمل به وجود یا عدم وجود پیروان ادیان دیگر در حکومت جهانی مهدوی اشاره شده است. بخش‌هایی از پایان‌نامه‌ایی با نام دین در عصر ظهور اثر نصرالله آیتی به اهل کتاب در دولت مهدوی پرداخته است و معتقد است که اکثر اهل کتاب در آن عصر به حضرت ایمان می‌آورند.

این مقاله درصدد است با روش نقلی-تحلیلی در مرحله نخست اصل وجود پیروان، مذاهب و مخالفان را در عصر حکومت جهانی مهدوی بررسی کند و در مرحله بعد به وضعیت این گروه‌ها در این حکومت جهانی می‌پردازد.

نوآوری این تحقیق اولاً: در پاسخ به شبهات در مورد عدم حضور پیروان ادیان مختلف در حکومت جهانی مهدوی است؛ ثانیاً در ارائه تفصیلی جدید از حضور یا عدم حضور ادیان مختلف، مخالفان و مذاهب است؛ ثالثاً: در پرداختن به وضعیت گروه‌هایی است که حضور آن‌ها در عهد حکومت جهانی مهدوی پذیرفته شده است.

لازم به ذکر است که در این تحقیق روایات بر اساس کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه‌السلام چاپ دوم (۱۴۲۸) بررسی می‌شود.

حضور یا عدم حضور پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در حکومت جهانی مهدوی

بررسی وضعیت پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام، مبتنی بر پذیرش حضور پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در عهد آن حکومت جهانی است. به این اساس در مرحله نخست لازم است به این سؤال پاسخ داده

شود که آیا در عصر حکومت جهانی امام زمان علیه السلام پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان آن حضرت حضور دارند یا اینکه تمام عالم یکدست شده و دینی جز اسلام و مکتبی جز تشیع وجود نخواهد داشت و همه مردم مطیع امام خواهند شد و کسی به مخالفت با حضرت بر نخواهد خاست.

در پاسخ به این پرسش سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست از این ایده حمایت می‌کند که در عصر حکومت جهانی امام زمان عجل الله فرجه الشریف، پیروان ادیان دیگر حضور دارند. برخلاف این نظریه، دیدگاه دوم بر عدم حضور پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان تأکید دارد. دیدگاه سوم قائل به تفصیل شده است؛ معتقدان به این تفصیل باور دارند که پیروان ادیان و مذاهب دیگر و مخالفان در ابتدای عصر حضور امام زمان سلام الله علیه وجود دارند اما با تشکیل حکومت جهانی امام، دیگر اثری از آنها نخواهد بود.

طرفداران هر یک از این سه نظریه برای اثبات دیدگاه خود به دلایل و شواهدی تمسک می‌جویند. بررسی تک تک دلایل و شواهد این سه نظریه از محدوده این مقاله خارج است. در این مقاله دیدگاه مورد نظر و ادله و شواهد آن بیان و تا حدودی به شبهات مطرح پاسخ داده خواهد شد. باید توجه داشت با پذیرش دیدگاه دوم و سوم، بررسی وضعیت پیروان ادیان و مذاهب در عهد حکومت جهانی مهدوی معنا نخواهد داشت، زیرا پیروان این ادیان کاملاً از بین رفته‌اند و وجود خارجی نخواهند داشت.

الف: حضور پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در عصر حکومت جهانی مهدوی

دیدگاه مورد قبول در زمینه حضور پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در عصر حکومت جهانی مهدوی این است که پیروان ادیان الهی چون مسیحیت و یهودیت به عنوان اقلیت‌هایی دینی در عصر حکومت جهانی مهدوی حضور خواهند داشت و در پناه حکومت آن حضرت در امنیت و آسایش به زندگی خود ادامه خواهند داد؛ اما پیروان مذاهب اسلامی و مخالفان آن حضرت در عهد حکومت جهانی مهدوی حضور نخواهند داشت.

برای اثبات این نظریه تنها از آیات و روایات می‌توان سود جست، زیرا عقلاً نمی‌توان اثبات کرد در عصر حکومت جهانی مهدوی چه روی خواهد داد و کدام ادیان و مذاهب حضور خواهند داشت.

الف: آیات

با مراجعه به آیات، به ظاهر با دو دسته از آیات در این زمینه روبرو هستیم. از دسته نخست آیات می‌توان استفاده کرد که پیروان ادیان دیگر در عصر حکومت جهانی حضور دارند. این دسته از آیات خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول آیاتی است که به یک قاعده عام دلالت می‌کنند و آن عدم جبر در امر دین و اعتقادات است و هرگونه اجبار در این زمینه را نپذیرفتنی می‌دانند؛ یعنی اینکه نباید کسی را در پذیرش و عدم پذیرش اعتقاد و باوری مجبور کرد و برای بشر در انتخاب باور و دین، اختیار و آزادی قائل می‌شود. آیاتی چون:

۱. إنا هدیناه السبيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان/۳)،
۲. وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (کهف/۲۹)،
۳. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره/۲۵۶)،
۴. وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا (سجده/۱۳)
۵. وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (يونس/۹۹).

سه آیه نخست دلالت دارند که اجبار در ایمان معنی ندارد. شهید مطهری در تبیین این مسئله گوید بعضی از امور اکراه بردار و اجبار بردار است و بعضی مسائل اکراه و اجبار بردار نیست؛ طبیعتش این است که باید اختیاری باشد. مثلاً تزکیه نفس و تربیت عالی این چنین است. اگر بخواهیم مردمی را به نحو عالی تربیت کنیم یعنی به نحوی تربیت کنیم که این مردم فضیلت‌ها را به‌عنوان اینکه فضیلت است بپذیرند و انتخاب کنند و بدی‌ها را به‌عنوان اینکه بد است و نقص در انسانیت است، اجتناب کنند، این کار با زور شلاق و اجبار نمی‌شود. ایمان نیز با زور به وجود نمی‌آید. ایمان یعنی اعتقاد و گرایش. ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک فکر. مجذوب شدن به یک فکر دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد، یک رکن دیگر جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد. هیچ‌کدام از این‌ها در قلمرو زور قرار نمی‌گیرد، نه جنبه فکری‌اش و نه جنبه احساساتی‌اش. فکر تابع منطق است. اگر یک مسئله ریاضی را بخواهند به کسی یاد بدهند باید از راه منطق یاد بدهند تا اعتقاد پیدا کند. با شلاق نمی‌شود به او یاد داد، یعنی شلاق که بزند او فکرش قبول نمی‌کند. جنبه گرایشی و احساساتی و محبتی هم همین‌جور است. کسی را با زور نمی‌توان به چیزی معتقد کرد و ایمان به چیزی را در دل او با زور به وجود آورد. این است معنای «لا اکراه فی الدین». اینکه قرآن می‌گوید در دین اجبار نیست، نمی‌خواهد بگوید دین را می‌شود با اجبار تحمیل کرد، ولی با اینکه می‌شود با اجبار تحمیل کرد شما تحمیل نکنید بگذارید مردم بدو اجبار دین‌دار باشند، بلکه از این باب است که دین را با اجبار نمی‌شود تحمیل کرد. آنکه با اجبار تحمیل بشود دین نیست. (شهید مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۰، ص ۲۴۶-۲۴۸).

علاوه بر این دو آیه اخیر مطلبی دیگر به آن اضافه می‌کند که مشیت الهی در مسائل اعتقادی بر مجبور نبودن انسان‌ها استوار است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۹۹ سوره یونس می‌فرماید، ایمان آوردن همه مردم روی زمین جزء مشیت الهی نیست و کسی نیز نباید در آن طمع داشته باشد. خدا به پیامبرش نیز می‌فرماید شما هم در این رابطه تلاش نکن و شما قدرت بر اجبار و اکراه آن‌ها به ایمان را نداری، زیرا ایمانی که ما از آن‌ها خواسته‌ایم ایمانی است که از حسن اختیار باشد نه بر اساس اکراه و اجبار. به همین دلیل هم خداوند در ادامه آیه به صورت استفهام انکاری می‌فرماید: أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ، یعنی بعد از اینکه بیان کردیم که مشیت الهی بر این استقرار یافته که ایمان آوردن همه مردم با داشتن اختیار، امکان‌پذیر نیست، پس ای پیامبر نمی‌تواند آن‌ها را اجبار به ایمان کنی و این کار مطابق خواست خدا نیست و خدا ایمانی که بر اساس جبر و اکراه باشد را نمی‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۱۹۹-۲۰۰).

از سوی دیگر خواست و مشیت الهی تغییرناپذیر است؛ زیرا خواست و مشیت الهی جزء سنت و قانون الهی است که امکان تغییر در آن وجود ندارد. در نتیجه اجبار در اعتقاد و باورها معنی نخواهد داشت.

با توجه به این آیات، امکان اینکه در زمان حکومت جهانی مهدوی پیروان ادیان دیگر حضور داشته باشند، منتفی نخواهد بود و اجباری نیز از جانب امام زمان سلام‌الله‌علیه برای تغییر باورها و اعتقادات مردم صورت نخواهد گرفت؛ چون اولاً ایمان از این طریق به دست آمدنی نیست، ثانیاً: این کار مخالف خواست و مشیت الهی است و آن حضرت خلاف خواست و قانون الهی هرگز عمل نخواهند کرد.

گروه دوم آیاتی است که به‌ظاهر دلالت دارند که مسیحیان و یهودیان تا قیامت در کره خاکی حضور دارند. آیاتی چون:

۱. وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (اعراف/

(۱۶۷)

۲. وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يَنْبَغُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده/ ۱۴)

۳. وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (مائده/ ۶۴)

۴. إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ فَاخْرُجْ إِلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَقُلْ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (آل عمران/ ۵۵)

بر اساس این گروه از آیات به دست می‌آید که یهودیان و مسیحیان تا برپایی قیامت در این دنیا حضور خواهند داشت و اینکه بتوان زمان و دوره‌ای را تصور کرد - همچون عصر حکومت جهانی مهدوی - که پیروان این دو دین وجود نخواهند داشت به‌ظاهر مخالف این آیات است.

از مجموع این دو گروه از آیات به دست می‌آید: اولاً، امکان حضور پیروان ادیان در عصر حکومت جهانی مهدوی وجود دارد، ثانیاً: یهودیان و مسیحیان تا برپایی قیامت در این دنیا حضور خواهند داشت. در نتیجه وجود پیروان ادیانی چون مسیحیت و یهودیت در عصر حکومت جهانی مهدوی امری قابل‌پذیرش خواهد بود.

اما دسته‌ای دیگر از آیات وجود دارد که به‌ظاهر دلالت می‌کنند که تنها دین در عصر حکومت جهانی مهدوی اسلام خواهد بود و همه باید تسلیم آن گردند. آیاتی چون:

۱. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه/ ۳۳)

این آیه شریفه بیان می‌کند که دین حق که همان اسلام باشد بر همه ادیان فائق خواهد آمد. مفسران زمان تحقق این امر را در عصر حکومت جهانی مهدوی ذکر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۳۹۲-۳۹۳) بر این اساس به‌ظاهر دین دیگری در عصر حکومت امام زمان سلام‌الله‌علیه وجود نخواهد داشت تا پیروانی داشته باشد.

۲. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (انفال/ ۳۹)

مفسران بر اساس روایات وارده، زمان تحقق این واقعیت را که دین تماماً برای خدا باشد، در عهد امام زمان سلام‌الله‌علیه می‌دانند (الطبرسی، ۱۳۷۹، ج ۳-۴، ص ۵۴۲-۵۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۳۲-۱۳۳).

از نظر بعضی لازم است این که دین تنها برای خدا گردد، این است که از پیروان ادیان مختلف خبری نباشد. (آلوسی، بی تا ج ۵، ص ۱۹۴، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۰).

به‌ظاهر بین این دودسته از آیات تهافت وجود دارد، چون بر اساس آیات دسته نخست ادیان دیگر در عهد حکومت جهانی مهدوی حضور خواهند داشت، اما بر اساس دوم آیات، تنها دین در عصر ظهور امام زمان سلام‌الله‌علیه، دین اسلام خواهد بود؛ اما با دقت در این آیات عدم سازگاری و تهافت رخت برمی‌بندد. در حقیقت وجود پیروان ادیان دیگر در زمان موردنظر، منافاتی با اینکه دین اسلام فائق و غالب بر همه ادیان گردد یا دین تنها برای خدا گردد، ندارد و قابل جمع است.

در آیه ۳۳ سوره توبه آمده است «لیظهره علی الدین کله» معنای کلمه «اظهار» در لغت به معنای غلبه کردن و برتری یافتن است (ابن فارس، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۷۱). صاحب مجمع‌البیان در تفسیر این آیه می‌فرماید: «لیظهره علی الدین کله معناه

لیعلی دین الاسلام علی جمیع الادیان بالحجۃ و الغلبۃ و القهر لها حتی لایبقی علی وجه الارض دین الا مغلوبا و لایغلب احد اهل الاسلام بالحجۃ و هم یغلبون اهل سائر الادیان بالحجۃ» (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵-۶، ص ۲۴).

بر این اساس مراد از اظهار اسلام بر ادیان دیگر، یعنی غلبه اسلام بر آن ادیان و برتری یافتن اسلام بر آن ادیان، نه اینکه تنها اسلام باقی می‌ماند و بقیه ادیان حذف می‌گردند. در حقیقت این آیه شریفه درصدد بیان وحدت ادیان در عصر امام زمان علیه‌السلام نیست، بلکه درصدد بیان غلبه و برتری دین اسلام بر ادیان دیگر است. در نتیجه معنای این آیه بامعنای آیات دسته نخست منافاتی ندارد.

آیه ۳۹ انفال نیز با وجود داشتن پیروان ادیان در عصر حکومت جهانی مهدوی منافاتی ندارد، چنانکه مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر همین آیه به همین مطلب اشاره کرده‌اند: « جمله "و یكون الدين كله لله" منافاتی با باقی گذاردن اهل کتاب به دین خود در صورتی که به ذمه اسلام درآمده و جزیه دهند، ندارد.» (تفسیر المیزان، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۱۶-۱۱۷).

عدم منافات به این دلیل است که وقتی پیروان ادیانی چون مسیحیت و یهودیت به ذمه اسلام درآمده باشند و جزیه بدهند، به این معنی است که آن‌ها گردن به اسلام نهاده‌اند، چون شرایط ذمه و جزیه را که از احکام اسلام است، پذیرفته‌اند و بر اساس آن عمل می‌کنند. پس در حقیقت آن‌ها نیز به احکام اسلام گردن نهاده‌اند. در نتیجه «الدین» که منظور اسلام باشد «کله لله» می‌گردد.

با این توضیحات مشخص می‌گردد که بر اساس آیات قرآن کریم، حضور پیروان ادیانی چون مسیحیت و یهودیت در عصر حکومت جهانی مهدوی ممکن است.

ب: روایات

روایات مطرح در زمینه حکومت جهانی مهدوی همانند آیات به‌ظاهر به دو طیف مخالف تقسیم می‌شوند. دسته‌ای وجود پیروان ادیان دیگر را به‌صراحت نفی می‌کنند و گروه دیگر حضور آن‌ها را اثبات می‌کنند.

۵. الف: روایاتی نافی حضور پیروان ادیان دیگر

بر اساس یک سری از روایات، هیچ دینی غیر از اسلام در زمان حکومت جهانی مهدوی وجود نخواهد داشت و تمام انسان‌ها باید یا مسلمان شوند یا گردن زده و کشته شوند و در نتیجه تنها یک دین که آن‌هم اسلام است حاکم و مستقر می‌گردد. تقریباً در این زمینه به ۱۵ روایت می‌توان تمسک جست. طرفداران دیدگاهی که قائل به عدم وجود ادیان و مذاهب و مخالفان در عصر حکومت جهانی مهدوی هستند، به همین روایات تمسک می‌جویند.

این مجموعه روایات را از نظر محتوا به سه دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

دسته نخست روایاتی است که سخن از برجیده شدن کفر و شرک از عالم و گسترش توحید در جهان دارد. روایاتی چون:

۱. لایبقی علی وجه الارض الا من یقول لا اله الا الله (معجم احادیث الامام المهدی علیه‌السلام، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۳۱۱، ص ۳۱۷)،

۲. لایبقی کافر الا آمن به (قبلی، ج ۴، ص ۶۹۵، ص ۲۴۲)،

۳. لا تبقی فی الارض بقعة عبد غیر الله الا عبد الله فیها و یكون الدین كله لله (قبلی، ج ۵، ص ۹۵۱، ص ۹۳)،

۴. یظهره الله تعالى به دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون... فلا یبقی فی الارض معبود من دون الله من صنم و غیره الا وقعت فیہ نار فاحترق (قبلی، ج ۵، ح ۱۰۶۶، ص ۲۲۸-۲۲۹) از این قرارند.

بر اساس این روایات (که هم دارای شمول افرادی و هم شمول مکانی است) ادیانی که توحیدی نباشند و به خداوند متعال اعتقاد نداشته باشند از بین خواهند رفت؛ چون لازمه گسترش توحید در سرتاسر عالم از بین رفتن ادیان غیرتوحیدی و انسان-های غیر موحد است؛ اما اگر ادیانی توحیدی باشند، این روایات دلالت بر از بین رفتن آنها نمی‌کند. یهودیان و مسیحیان خود را موحد می‌دانند و دین آنها نیز دین توحیدی و الهی محسوب می‌گردد و اسلام نیز آنها را اهل کتاب قرار داده است. به همین دلیل محتوای این روایات منافاتی با حضور پیروان ادیان الهی چون مسیحیت و یهودیت در عصر حکومت جهانی مهدوی ندارد، زیرا مسیحیان و یهودیان کافر به خداوند و مخالف توحید نیستند.

دسته دوم، روایاتی است که دلالت دارند که اسلام حاکم بر جهان و ادیان دیگر می‌گردد. روایاتی چون:

۱. حتی یهلك الله فی زمانه الملل كلها غیر الاسلام (قبلی، ج ۲، ح ۳۷۳، ص ۴۵۸)،
 ۲. ان الاسلام قد یظهره الله علی جمیع الادیان (قبلی، ج ۴، ح ۷۱۵، ص ۲۸۱)،
 ۳. تملا الارض من الاسلام و یسلب الکفار ملکهم فلا یكون ملک الا الاسلام (قبلی، ج ۲، ح ۲۰۶، ص ۸۳)،
 ۴. یظهره الله تعالى به دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون (قبلی، ج ۵، ح ۱۰۶۶، ص ۲۲۸-۲۲۹) از این قرارند.
- این دسته از روایات نیز منافاتی با حضور ادیان دیگر ندارند. چنانکه در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه گذشت، این متون سخن از گسترش اسلام و غالب شدن آن بر تمام ادیان می‌گویند، نه اینکه تنها اسلام باقی می‌ماند و بقیه ادیان از صحنه روزگار محو می‌شوند. اصلاً لازمه غالب شدن و فائق شدن اسلام بر ادیان دیگر، وجود ادیان دیگر است، در غیر این صورت اگر ادیان دیگر وجود نداشته باشند، غالب و فائق شدن اسلام معنی نخواهد داشت. چنانکه در لغت آمده وقتی کلمه «ظهر» با «علی» می‌آید به معنای غلبه کردن و فائق آمدن بر چیزی را افاده می‌کند (الجمهوری، ۱۴۲۹، ص ۶۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۴۷۰).
- دسته سوم، روایاتی است که دلالت دارد که پیروان ادیان دیگر در صورت نپذیرفتن دین اسلام کشته می‌شوند. از این رو تنها دین اسلام باقی می‌ماند. روایاتی چون:

۱. فیسیر فی الدنیا و سیفه علی عاتقه و یقتل الیهود و النصراری و اهل البدع (معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۲۸، ج ۴، ح ۶۶۲، ص ۱۷۷)،
 ۲. یقتل الناس حتی لایری الا دین محمد (قبلی، ج ۴، ح ۸۴۸، ص ۴۷۹)،
 ۳. یقتل الناس حتی لایبقی الا دین محمد (قبلی، ج ۴، ح ۸۶۲، ص ۵۰۲)،
 ۴. اذا قام القائم عرض الایمان علی کل ناصب فان دخل فیہ بحقیقه و الا ضرب عنقه او یؤدی الجزیه کما یؤدیها الیوم اهل الذمه (قبلی، ج ۴، ح ۸۴۹، ص ۴۷۹-۴۸۰)،
 ۵. لایأتون علی اهل دین الا دعوهم الی الله و الی الاسلام... و من لم یسلم قتلوه حتی لایبقی بین المشرق و المغرب و مادون الجبل الا اقر (قبلی، ج ۵، ح ۱۱۳۸، ص ۳۱۵)،
- پذیرش محتوای این روایات از جهات مختلف دچار مشکل است زیرا:

۱. با مفهوم آیاتی که دلالت دارند نباید کسی را در پذیرش و عدم پذیرش اعتقاد و باوری مجبور کرد (دهر/۳، کهف/۲۹، سجده/۱۳ و یونس/۹۹) سازگاری ندارد. همان‌طور که گذشت مفهوم این آیات از سنن الهی است. یقیناً امام زمان سلام‌الله‌علیه مخالف سنت و اراده الهی عمل نخواهند کرد.

۲. با آیاتی که دلالت داشته‌اند که یهودیت و مسیحیت تا برپایی قیامت بر کره خاکی وجود خواهند داشت (اعراف/ ۱۶۷، مائده/ ۱۴ و ۶۴، آل عمران/ ۵۵) مخالف است.
۳. محتوای این دسته از روایات با روایات دیگر این باب که ذکر آن خواهد آمد، سازگاری ندارد.
۴. محتوای این روایات با اصل مکلف بودن انسان‌ها سازگار نیست، چون لازمه مکلف بودن انسان‌ها مختار بودن آن‌ها است و در صورت مجبور بودن آن‌ها ثواب و عقاب دیگر معنی نخواهد داشت. اگر قرار باشد در عصر حکومت جهانی مهدوی انسان‌ها مجبور به پذیرش اسلام گردند، اصل تکلیف رخت برمی‌بندد. بعید است کسی به این امر معتقد گردد.
۵. محتوای این روایات با عقل هم سر سازش ندارد، زیرا اگر قرار باشد در آخرالزمان با زور شمشیر انسان‌ها را وادار به اسلام و دین حق بکنند، چرا استفاده از زور شمشیر در عصر صاحب دین یعنی پیامبر اعظم محمد بن عبدالله صلی‌الله‌صورت نگرفته است، با اینکه اگر این امر در عصر پیامبر صورت می‌گرفت، مدت‌زمان بیشتر و تعداد افراد بیشتری در دایره اسلام قرار می‌گرفتند و از نعمت اسلام اجباری برخوردار می‌شدند و از سوی دیگر ظلم و ستم کمتری در زمین ساری و جاری می‌شد. به همین دلیل برای عقل قابل‌پذیرش نیست که در آخرالزمان مردم با زور شمشیر به اسلام بگردند و یا در صورت عدم پذیرش کشته شوند.
- با توجه به نکات ذکرشده نمی‌توان به محتوای این دسته از روایات پایبند شد. اینکه با این روایات باید چه کرد سخن دیگری است که باید در جای دیگر به آن پرداخت.

۶. ب: روایات مثبت حضور پیروان ادیان دیگر در عصر حکومت جهانی مهدوی

طیف دیگری از روایات با صراحت یا با التزام دلالت بر این دارند که پیروان ادیان دیگر در عصر حکومت جهانی مهدوی حضور دارند. روایاتی چون:

۱. بلغنی انه علی یدی المهدی یظهر تابوت السکینه من بحیره الطبریة حتی تحمل فتوضع بین یدیه بیت المقدس فاذا نظرت الیه الیهود اسلمت الا قليلا منهم ثم يموت المهدی (قبلی، ج ۲، ح ۲۰۴، ص ۷۷)،
۲. سیکون بینکم و بین الروم اربع هدن، یوم الرابعه علی ید رجل من اهل هرقل یدوم سبع سنین... یا رسول الله من امام الناس یومید؟ قال المهدی من ولدی (قبلی، ج ۲، ح ۲۲۳، ص ۱۲۶)،
۳. یكون بین المهدی و بین طاغیة الروم صلح بعد قتله السفیانی و نهب کلب. (قبلی، ج ۲، ح ۲۲۵، ۱۳۴)،
۴. المهدی یبعث بقتال الروم یعطی فقه عشرة یمخرج تابوت السکینه من غار بانطاکیه فیہ التوراة التي انزل الله تعالی علی موسی (ع) و الانجیل الذی انزل الله علی عیسی (ع) یحکم بین اهل التوراة بتوراتهم و بین اهل الانجیل بانجیلهم. (قبلی، ج ۲، ح ۲۲۶، ص ۱۳۴)،
۵. یمخرج المهدی الی بلاد الروم... و یسلم علی یدیه خلق کثیر (قبلی، ج ۲، ح ۲۳۰، ص ۱۴۰-۱۴۱)،
۶. و یجمع الکتب من انطاکیة حتی یحکم بین اهل المشرق و المغرب و یحکم بین اهل التوراة فی توراتهم و اهل الانجیل فی انجیلهم و اهل الزبور فی زبورهم و اهل الفرقان بفرقانهم (قبلی، ج ۲، ح ۳۶۳، ص ۴۲۸)،
۷. یقضی لاهل الدین بالدين. (قبلی، ج ۴، ح ۵۷۲، ص ۱۷)،
۸. اذا قام القائم عرض الايمان علی کل ناصب فان دخل فیہ بحقیقه و الا ضرب عنقه او یؤدی الجزیه کما یؤدیها الیوم اهل الذمه (قبلی، ج ۴، ح ۸۴۹، ص ۴۷۹-۴۸۰)،

۹. انما سمی المهدی مهدیا لانه یهدی الی امر خفی و یتخرج التوراة و سائر کتب الله من غار بانطاکیة و یحکم بین اهل التوراة بالتوراة و بین اهل الانجیل بالانجیل و بین اهل الزبور بالزبور و بین اهل القرآن بالقرآن (قبلی، ج ۴، ح ۸۶۹، ص ۵۰۹).

از مجموع این روایات به دست می‌آید که حداقل پیروان دین یهود و دین مسیح در عهد حکومت جهانی مهدوی حضور دارند و حضرت با آنها بر اساس کتاب آسمانی خودشان یعنی تورات و انجیل و زبور رفتار می‌کند.

از سوی دیگر مضمون این روایات با اصول اولیه پذیرفته شده در دین همچون اختیار و آزادی و غیر آن نیز همخوانی دارد.

البته آنچه از روایات برداشت شده است بدون توجه به سند روایات بوده است.

عدم حضور پیروان ادیان غیر الهی

آنچه بیان شد فقط شامل پیروان ادیان الهی چون یهودیت و مسیحیت می‌گردد؛ یعنی بر اساس روایات فقط به دست می‌آید که مسیحیان و یهودیان در عصر حکومت جهانی مهدوی حضور دارند؛ اما پیروان ادیان غیر الهی مانند پیروان بودا یا هندو و امثال آن که غیر الهی و غیر موحد هستند، روایات دلالت دارند که در آن زمان حضور ندارد و از بین رفته‌اند. از روایاتی چون:

۱. لا یبقی علی وجه الارض الامن یقول لا اله الا الله (قبلی، ج ۲، ح ۳۱۱، ص ۳۱۷)،

۲. تملأ الارض من الاسلام و یسلب الکفار ملکهم فلا یكون ملک الا الاسلام (قبلی، ج ۲، ح ۲۰۶، ص ۸۳)،

۳. لا یبقی کافر الا آمن به (قبلی، ج ۴، ح ۶۹۵، ص ۲۴۲)،

۴. ولا تبقی فی الارض بقعة عبد غیر الله الا عبد الله فیها و یكون الدین کله لله (قبلی، ج ۵، ح ۹۵۱، ص ۹۳)،

۵. و یظهر الله تعالی دینه علی الذین کله و لو کره المشرکون... فلا یبقی فی الارض معبود من دون الله من صنم و غیره الا وقعت فیها نار فاحترق. (قبلی، ج ۵، ح ۱۰۶۶، ص ۲۲۸-۲۲۹) به دست می‌آید که توحید و خداپرستی سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت و خدا در همه اماکن پرستش خواهد شد. در نتیجه پیروان ادیان غیر الهی که موحد نیستند و غیر خدا را پرستش می‌کنند، دیگر وجود نخواهند داشت. رفت.

اما به چه صورتی ادیان غیر الهی و پیروان آنها از بین می‌روند، آیا به زور شمشیر از بین خواهند رفت یا به عوامل دیگر، سخن دیگری است که فرصت بیان آن در این مجال نیست. از همین قلم در مقاله‌ای دیگر به بخش‌هایی از این مسئله پرداخته شده است.

عدم حضور مخالفان

در مورد مخالفان آن حضرت نیز از روایات به دست می‌آید که حضرت با شدت با آنها برخورد می‌کند و به همین سبب آنها نیز از بین خواهند رفت یا مطیع آن حضرت خواهند شد. روایاتی چون:

۱. یمده الله بثلاثة آلاف من الملائكة یضربون وجوه من خالفهم و ادبارهم (قبلی، ج ۴، ح ۶۰۴، ص ۶۴)،

۲. فخروجه بالسيف و قتل اعدا الله و اعداء رسوله (ص) و الجبارین و الطواغیت (قبلی، ج ۴، ح ۷۷۳، ص ۳۶۲)،

دلالت دارد که امام مهدی علیه السلام برخورد شدید با مخالفان دارد و به همین سبب آنها از بین خواهند رفت. در نتیجه مخالفانی - که در روایت دوم مصداق آنها را جبارین و طاغوت‌ها برشمرده است- در عهد حکومت مهدوی حضور نخواهند داشت.

عدم حضور پیروان مذاهب اسلامی

در روایات بررسی شده، مطلب خاصی که از آن بتوان در مورد حضور یا عدم حضور پیروان مذاهب اسلامی در عصر حکومت جهانی مهدوی قضاوت کرد، یافت نشده است؛ مگر اینکه از کلیات و عمومات در این زمینه بتوان استفاده کرد. مثلاً اگر پیروان مذاهب اسلامی در دایره جباران و طاغوت‌ها قرار داشته باشند، بر اساس روایتی که در این زمینه وجود دارد به دست می‌آید که با آن‌ها به شدت برخورد خواهد شد و از بین خواهند رفت؛ اما اگر کسانی چنین نباشند، تکلیف آن‌ها به وضوح مشخص نخواهد بود که آیا در حکومت مهدوی حضور خواهند داشت؟

البته یک نکته بسیار مهم نباید فراموش گردد که مذاهب دیگر اسلامی (اعم از شیعی و غیر شیعی) در اصل مسئله مهدویت و بسیار از ویژگی‌های امام مهدی علیه‌السلام و حکومت جهانی آن حضرت با مذهب شیعه اثناعشری موافق هستند. تنها در بعضی از مسائل همچون تولد و عدم تولد آن حضرت و عمر طولانی آن حضرت و امثال آن با امامیه اختلاف نظر دارند. البته در این مذاهب نیز علما و اندیشمندانی هستند که حتی معتقد به دنیا آمدن آن حضرت هستند.^۱

به هر صورت مذاهب دیگر اسلامی در اصل مسئله مهدویت و عصر مهدوی با امامیه متفق‌اند. در نتیجه آن‌ها نیز انتظار ظهور امام مهدی علیه‌السلام و عصر حکومت جهانی مهدوی را می‌کشند. با این توصیف شاید بتوان گفت که با ظهور آن حضرت و تشکیل حکومت مهدوی پیروان مذاهب دیگر اسلامی به آن حضرت ایمان آورده و تسلیم او می‌گردند و در زمره گروندگان به آن حضرت و مذهب حق قرار می‌گیرند. بر این اساس از پیروان مذاهب اسلامی در عصر حکومت مهدوی خبری نخواهد بود.

وضعیت اهل کتاب در حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام

از آنچه بیان شد به دست آمد که در عهد حکومت جهانی مهدوی پیروان ادیان الهی چون یهودیان و مسیحیان حضور دارند. بر این اساس نوبت به بررسی وضعیت آن‌ها در این حکومت جهانی می‌رسد و اینکه حضرت مهدی علیه‌السلام با آن‌ها چگونه برخورد خواهد کرد.

در این بخش عمده مطالبی که می‌توان بیان کرد بر اساس روایات عامی است که بیان‌کننده چگونگی رفتار آن حضرت به صورت عام و کلی می‌باشند؛ یعنی در حقیقت بیان‌کننده اصول حاکم بر رفتار حضرت هستند. علاوه بر اینکه بعضی از روایات، به طور مشخص به چگونگی رفتار با این گروه‌ها می‌پردازند.

ابتدا اصول حاکم بر رفتار آن حضرت که می‌تواند شامل پیروان ادیان الهی نیز گردد را برمی‌شماریم و در نهایت به روایات خاصی که بیان‌کننده چگونگی رفتار حضرت با این گروه‌ها است می‌پردازیم.

اصول کلی حاکم بر رفتار امام زمان علیه‌السلام

بر اساس روایات وارده در باب مهدویت می‌توان حداقل اصول زیر را حاکم بر رفتارهای حضرت با همه انسان‌ها از جمله پیروان ادیانی دانست که در عصر حکومت جهانی مهدوی حضور دارند.

۱. عمل به دین خدا

^۱ افرادی چون شمس‌الدین محمدبن طولون در کتاب الاثمۃ الاثنا عشر و عبدالوهاب الشعرانی در کتاب البیواقیات و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر و ابن حجر الهیتمی در کتاب الصواعق المحرقة و شیخ عبدالله بن محمد بن عامر الشبراوی الشافعی در کتاب الاتحاف و الشیخ الشبلنجی در نور الابصار و دیگران. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب‌های «مهدویت در صحاح سته» اثر سید رضی قادری و «الامام المهدی عند اهل السنة» اثر آیه‌الله مهدی الفقیه الایمانی مراجع شود.

بر اساس روایاتی چون «يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به اول الزمان» (قبلی، ج ۱، ح ۲۱، ص ۱۵۲) و «يقضى لاهل دين بالدين» (قبلی، ج ۴، ح ۵۷۲، ص ۱۷) به دست می‌آید که آن حضرت با اهل زمان خود بر اساس دین خدا رفتار می‌کند. براین اساس آن چارچوبی که دین خدا در زمینه رفتار با مردم ارائه کرده است، اصول حاکم بر رفتار امام مهدی علیه السلام خواهد بود. مثلاً بر اساس دین الهی، بدون اتمام حجت بر انسان‌ها نمی‌توان آن‌ها را مؤاخذه کرد، آن حضرت نیز بدون اتمام حجت کاری انجام نمی‌دهد. در روایت نیز داریم: ما من معجزه من معجزات الانبياء و الاوصياء الا و يظهر الله تبارك وتعالى مثلها في يد قائمنا لاتمام الحجّة على الاعداء (قبلی، ج ۵، ح ۹۳۴، ص ۷۵). یکی دیگر از آموزه‌ها اسلامی برگرداندن حقوق غصب شده است، آن حضرت نیز چنین می‌کند. در روایت آمده است: يبلغ من رد المهدي المظالم حتى لو كان تحت ضرس انسان شي انتزعه حتى يردّه (قبلی، ج ۱، ح ۷۴، ص ۲۵۸)؛ یعنی حتی اگر زیر دندان غاصبی حق غصب شده‌ای باشد آن را حضرت بیرون آورده و به صاحب آن برمی‌گرداند. از نظر اسلام باید نسبت به مساکین با رحم و مروت برخورد کرد؛ آن حضرت نیز چنین عمل می‌کند در روایت آمده علامه المهدی ... رحيمًا بالمساکين (قبلی، ج ۱، ح ۹۴، ص ۳۰۴). از نظر آموزه‌های اسلامی نمی‌توان کسی که امان خواسته است را کشت؛ در سیره آن حضرت آمده که لایقتلوا مستثمانا (قبلی، ج ۴، ح ۶۵۰، ص ۱۵۵).

رفتارهای از این دست امام عصر سلام الله علیه که برآمده از آموزه‌های اسلامی است اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه تمام انسان‌ها را شامل می‌شود؛ چنانکه منظور از این آموزه‌ها تنها مسلمانان نیستند.

۱. عمل بر اساس سنت رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام

یکی دیگر از اصول حاکم بر رفتار امام عصر سلام الله علیه، عمل بر طبق سنت نبوی و علوی است؛ یعنی همان‌طور که پیامبر اعظم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) با مردم - اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی - برخورد داشته‌اند، به اینکه با آن‌ها در صورت بستن معاهده با احترام برخورد می‌کردند و جان و مال آن‌ها در امان بود و امثال آن. (حسنی، ۱۳۹۵، ص ۴۵-۶۳) آن حضرت نیز همانند آن‌ها عمل می‌کند. امکان ندارد آن حضرت مخالف سنت و سیره رسول خدا و امیرالمؤمنین عمل کند. به این اصل در روایات متعددی اشاره شده است، (قبلی، ج ۱، ح ۷۹، ص ۲۲۶، ج ۴، ح ۶۰۶، ص ۶۶، ج ۵، ح ۹۵۴، ص ۹۷، ج ۵، ح ۱۱۳۹، ص ۳۱۷)؛ از جمله: القائم من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهن الی کتاب ربی... (ج ۱، ح ۸۰، ص ۲۲۷)

۲. عمل بر اساس حق

یکی دیگر از اصول حاکم بر رفتار و گفتار آن حضرت بر اساس حق است؛ یعنی حضرت مخالف حق و حقیقت عمل نمی‌کند. در روایات در زمینه رفتار آن حضرت آمده است: یقول بالحق و یعمل به (قبلی، ج ۴، ح ۶۳۰، ص ۱۱۲)، لایقتلوا... و لایضربوا احدا الا بالحق (قبلی، ج ۴، ح ۶۵۰، ص ۱۵۵).

براین اساس محور تعامل امام با مردم - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - حق و حقیقت است و آن حضرت از جاده حقیقت خارج نمی‌شوند.

۳. عمل بر اساس عدل و قسط

یکی دیگر از اصول رفتاری حضرت که در حقیقت زیرمجموعه اصل قبلی به حساب می‌آید، رفتار بر اساس عدالت و قسط است.

در روایات فراوانی آمده است که آن حضرت زمین را از ظلم و جور پاک می‌کند و مملو از عدل و داد می‌کند (قبلی ج ۱، ح ۹، ص ۱۰۳، ج ۱، ح ۱۲، ص ۱۱۰ و ح ۷۲، ص ۲۵۷ و ح ۱۴، ص ۱۲۱ و ح ۱۵، ص ۱۲۷، ج ۲، ح ۳۴۲، ص ۳۸۲، ج ۳، ح ۴۸۱، ص ۲۷۳، ج ۴، ح ۵۶۹، ص ۱۳ و ح ۷۰۶، ص ۲۶۴ و ح ۸۶۵، ص ۵۰۴).

براین اساس از اهداف میانی مهم حضرت برقراری عدل و داد فراگیر در عالم و برچیدن بساط ظلم و ستم است. بر کسی پوشیده نیست کسی که قرار است زمین را پر از عدل و داد کند، معنی ندارد که خود به عدل و داد عمل نکند. به همین دلیل آن حضرت در تعامل با انسان‌ها بر اساس عدل و داد رفتار می‌کند و حتی اجازه نخواهد داد که دیگران به ظلم و ستم رفتار کنند؛ چون در این صورت زمین پر از عدل و داد نخواهد شد.

علاوه بر این اصول عام تعاملی که بر اساس روایات، بر رفتار و گفتار آن حضرت حاکم است، روایات دیگر هم در دسترس است که به‌خصوص چگونگی تعامل حضرت با پیروان یهودیان و مسیحیان می‌پردازد.

در روایات متعددی وارد شده است که آن حضرت «تابوت سکینه و تورات و انجیل واقعی» را ظاهر می‌کند و با یهودیان و مسیحیان بر اساس آن برخورد می‌کند. روایاتی چون:

۱. بلغنی انه علی یدی المهدی یظهر تابوت السکینه من بحیره الطبریة حتی تحمل فتوضع بین یدیه بیت المقدس فاذا نظرت الیه الیهود اسلمت الا قليلا منهم ثم يموت المهدی (قبلی، ج ۲، ح ۲۰۴، ص ۷۷)،
۲. المهدی یبعث بقتال الروم... یستخرج تابوت السکینه من غار بانطاکیة فیہ التوراة الی انزل الله تعالی علی موسی (ع) و الانجیل الذی انزل الله علی عیسی (ع)، یحکم بین اهل التوراة بتوراتهم و بین اهل الانجیل بانجیلهم (قبلی، ج ۲، ح ۲۲۶، ص ۱۳۴)،
۳. آنما سمی المهدی لانه یهدی لامر قد خفی قال و یستخرج التوراة و الانجیل من ارض یقال لها انطاکیة (قبلی، ج ۲، ح ۲۲۷، ص ۱۳۵)،
۴. و یجمع الکتب من انطاکیة حتی یحکم بین اهل المشرق و المغرب و یحکم بین اهل التوراة فی توراتهم و اهل الانجیل فی انجیلهم و اهل الزبور فی زبورهم و اهل الفرقان بفرقانهم... (قبلی، ج ۲، ح ۳۶۳، ص ۴۲۸)،
۵. یاتیه الله بقایا قوم موسی (ع) و یجی له اصحاب الکهف (قبلی، ج ۴، ح ۶۸۱، ص ۲۰۹)،
۶. و آنما سمی المهدی مهديا لانه یهدی الی امر خفی و یستخرج التوراة و سائر کتب الله من غار بانطاکیة و یحکم بین اهل التوراة بالتوراة و بین اهل الانجیل بالانجیل و بین اهل الزبور بالزبور و بین اهل القرآن بالقرآن. (قبلی، ج ۴، ح ۸۶۹، ص ۵۰۹)

باید توجه داشت که تعامل حضرت با اهل کتاب بر اساس کتاب‌های آسمانی‌شان، مخالف و خارج از چارچوب اصولی که قبل از این بر شمرده‌ایم نخواهد بود.

با توجه به اصولی که بر رفتار امام مهدی علیه‌السلام حاکم است و اینکه آن حضرت بر اساس تورات و انجیل با مسیحیان و یهودیان برخورد خواهد کرد، می‌توان تا حدودی تصویر کرد که وضعیت یهودیان و مسیحیان در حکومت جهانی مهدوی تا چه اندازه خوب و ایدئال خواهد بود. به همین دلیل در روایات آمده است که: یرضی بخلافته اهل السماء و الارض (قبلی، ج ۱، ح ۱۴، ص ۱۲۱)، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض (قبلی، ج ۱، ح ۱۳۲، ص ۴۲۰ و ح ۱۴۱، ص ۴۳۳). در روایتی دیگر آمده است: یفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر (قبلی، ج ۲، ح ۳۷۴، ص ۳۸۹).

حکومتی که بر اساس دین خدا و بر اصول حق و عدل و قسط با مردم رفتار کند، امری که آرزوی همه انسان‌ها در طول تاریخ بوده و است، طبیعی است که همه انسان‌ها به این حکومت راضی و خوشحال باشند؛ نه تنها انسان‌ها بلکه اهل آسمان‌ها و حتی حیوانات در خشکی و دریا خوشحال باشند؛ چون قبل از شکل‌گیری چنین حکومتی رفتارهای ظالمانه انسان‌ها، فساد را در دریا و خشکی ظاهر کرده و ظلم و ستم در دایره انسانی محدود نمانده، بلکه طبیعت و حیوانات را نیز در بر گرفته است، چیزی که امروزه کم‌وبیش شاهد آن هستیم. به همین دلیل وقتی حکومتی بر اساس حق و حقیقت و با معیار عدالت و از بین بردن ظلم و ستم برپا شود و عمل کند، تمام موجودات - زمینی و آسمانی، در دریا و خشکی - از آن راضی و خوشحال خواهند بود.

نکات مهمی که در پایان باید به آن‌ها توجه کرد عبارت‌اند از اولاً: از آنجایی که پیروان ادیان الهی و غیر الهی، مسئله موعود را انتظار می‌کشند، ثانیاً: قبل از ظهور آن موعود، ظلم و ستم تمام عالم را فرا خواهد گرفت، ثالثاً: به علت همین ظلم‌ها و فشارها، انسان‌ها آماده پذیرش حق و حقیقت می‌گردند، رابعاً: در چنین وضعیتی امام مهدی علیه السلام با اظهار معجزات و شواهد متعددی ظهور خواهند کرد، خامساً: آن حضرت بر اساس اصولی رفتار خواهد کرد که آرزوی همه انسان‌ها در طول تاریخ بوده است، نتیجه این می‌شود که اکثر انسان‌ها پذیرای آن حضرت شوند و به او ایمان بیاورند، مگر انسان‌های لجوج و ابوجهل صفتی که نه تنها سر در برابر حقیقت فرود نمی‌آورند، بلکه به مبارزه با آن نیز می‌پردازند. عمده این افراد همان مافیای قدرت و ثروت هستند که حضرت با آن‌ها با شمشیر سخن خواهد گفت.

نتیجه اینکه، اگرچه پذیرفته شد که در عصر حکومت جهانی مهدوی یهودیان و مسیحیان حضور خواهند داشت، اما انتظار حضور تعداد فراوان آن‌ها در این دوران بسیار دور از واقع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از مباحث گذشته به دست آمد که برای تبیین وضعیت پیروان ادیان، مذاهب و مخالفان در عهد حکومت جهانی مهدوی در ابتدا لازم است به اصل حضور یا عدم حضور این گروه‌ها در آن عهد پرداخته شود. نتیجه حاصله در این قسمت حکایت از آن داشت که اولاً بر اساس آیات و روایات پیروان ادیان الهی چون یهودیت و مسیحیت در آن عهد حضور دارند، ولی پیروان ادیان غیر الهی حضور نخواهند داشت، ثانیاً مخالفان آن حضرت بر اثر برخوردهایی که حضرت با آن‌ها خواهد داشت، از بین می‌روند و حضور نخواهند داشت؛ و پیروان دیگر مذاهب اسلامی هم به دلیل پذیرش امام علیه السلام در زمره مکتب حق درخواهند آمد و به همین دلیل، وجود خارجی در عصر حکومت جهانی مهدوی نخواهند داشت.

بعد از پذیرش حضور پیروان ادیان دیگر، نوبت به آن رسید که وضعیت آن‌ها در عهد حکومت جهانی مهدوی بررسی شود. نتیجه حاصله در این قسمت دلالت داشت که با توجه به اصول حاکم بر رفتار آن حضرت و با توجه به اینکه روایات متعددی حکایت از آن دارند که آن حضرت با یهودیان و مسیحیان بر اساس تورات و انجیل واقعی برخورد می‌کند، وضعیت یهودیان و مسیحیان در یک حالت ایدئال و آرمانی قرار خواهد داشت و این گروه‌ها با صلح و صفا در پناه دولت حق مهدوی از عدالت جهان‌گستر ایشان برخوردار خواهند بود.

منابع

قرآن

۱. ابن فارس، معجم المقایس اللغة، ۱۴۱۱، بیروت، دار الجبل.
۲. اسماعیل بن حماد الجوهری، معجم الصحاح، ۱۴۲۹ ق، بیروت، دارالمعرفة.

۳. جمال‌الدین محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۲۶ ق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. سید علی حسنی، اهل کتاب در حکومت‌های اسلامی، ۱۳۹۵، تهران، تراث.
۵. فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶، بیروت، دارالمعرفه.
۶. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۰، تهران، صدرا.
۷. محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۶۳، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۸. محمودبن عبدالله آلوسی، روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بی تا بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۹. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۰. معجم احادیث الامام المهدي سلام‌الله‌علیه، ۱۴۲۸، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. مهدي الفقيه الايماني، الامام المهدي عند اهل السنه، ۱۴۳۱، قم، المجمع العالمي لاهل البيت(ع).

